

۱۲۳ - علل و حکم و افعات ستین عراق

از حضرت بهاء الله در لوح خطاب بناصر الدینشاه است قوله الاعلی حسب الاذن و اجازه سلطان زمان اینعبید از مقر سریر سلطانی بعراق عرب توجه نمود و دوازده سنه در آن ارض ساکن و در مدت توقف شرح احوال در پیشگاه سلطانی معروض نشد و همچنین بدول خارجه اظهاری نرفت متوکلا علی الله در آن ارض ساکن تا آنکه یکی از مأمورین وارد عراق شد و بعد از ورود در صدد اذیت جمعی از فقراء افتاد هر روز باغواء بعضی از علمای ظاهره و غیرهم متعرض اینعباد بوده مع آنکه ابدا خلاف دولت و ملت و مغایر اصول و آداب اهل مملکت ازین عباد ظاهر نشده و اینعبید بملاحظه آنکه مبادا از افعال معتدین امری منافی رأی جهان آرای سلطانی احداث شود اجمالی بباب وزارت خارجه میرزا سعید خان اظهار رفت تا در پیشگاه حضور معروض دارد و بآنچه حکم سلطانی صدور باید معمول گردد مدتها گذشت و حکمی صدور نیافت تا آنکه امر بمقامی رسید که بیم آن بود بغتة فسادی بر پا شود و خون جمعی ریخته گردد لایدا حفظا لعباد الله معدودی بوالی عراق توجه نمودند اگر بنظر عدل در آنچه واقع شده ملاحظه فرمایند بر مرآت قلب منیر روشن خواهد شد که آنچه واقع شده نظر بمصلحت بوده و چاره جز آن بر حسب ظاهر نه ... قریب پانزده سنه میشود که کل ناظر الی الله و متوکلا علیه ساکن اند و آنچه برایشان وارد شد صبر نموده اند و بحق گذاشته اند ... و بعد این عبد را باسلامبول احضار نمودند با جمعی از فقراء وارد آمدینه شدیم و بعد از ورود ابدا با احدی ملاقات نشد چه که مطلبی نداشتیم و مقصودی نبود ... نظر بمراعات بعض مراتب توجه بجهتی صعب بوده لکن لحفظ نفوس این امر واقع شده ... حال جمیع نفوس از جمیع امور چشم پوشیده اند و باذیت اینطائفه متوجه اند چنانچه اگر از بعضی که بعد از فضل باری در ظل مرحمت سلطانی آرمیده اند و بنعمت غیر متناهیة متنعم اند سؤال شود که در جزای نعمت سلطانی چه خدمت اظهار نموده اند بحسن تدبیر مملکتی بر ممالک افزودید و یا بامری که سبب آسایش رعیت و آبادی مملکت و ابقای ذکر خیر دولت شود توجه نموده اید جوابی ندارند جز آنکه جمعی را صدقاً یا کذب بابی در حضور سلطانی معروض دارند و بعد بقتل و تاراج مشغول شوند چنانچه در تبریز و منصوره مصر بعضی را فروختند و زخارف کثیره اخذ نمودند و ابداً در پیشگاه حضور سلطانی عرض نشد ... یا سلطان قد خبث مصابیح الانصاف و اشتعلت نار الاعتساف فی کل الاطراف الی ان جعلوا اهلی اساری من الزوراء الی الموصل الحباء (حرم کاشیه حضرت بهاء الله را با جمعی از مؤمنین باسیری از بغداد بموصل بردند)